

آثار صلح آمیز جهاد در روابط بین الملل

براساس آیات قرآن کریم

قاسم شبان‌نیا*

چکیده

جهاد، از مفاهیمی است که به دلیل عدم توجه به ماهیت واقعی آن، جنبه صلح آمیز آن در روابط بین الملل کمتر مورد توجه قرار گرفته است. جهاد ابتدایی اساساً هدف دعوت دیگران به سوی اسلام را دنبال می‌کند و در صورت ممانعت سران طاغوت از چنین دعوتی، قتال با آنان صورت می‌گیرد. شرط وجوب دعوت تفصیلی پیش از قتال، آشکار می‌سازد که آنچه در جهاد از اهمیت برخوردار است، ابلاغ کلام الهی به مردم است. در عرصه سیاست خارجی دولت اسلامی، این دعوت در قالب‌های مختلفی همچون اصل تألیف قلوب و اصل احسان خود را نشان می‌دهد. احکام صلح آمیز اسلام در مباحث عقد ذمه و امان نیز، که مترتب بر جهاد مطرح می‌گردند، شاهدی بر این مطلب است که اسلام با هر کس در هر آیینی همزیستی مسالمت آمیز دارد و در قبال وظایفی که برای آنها برمی‌شمارد، حقوقی را برای آنها در نظر می‌گیرد و مسلمانان را در برابر چنین حقوقی مکلف می‌سازد.

این تحقیق با رویکرد تحلیلی - اسنادی تلاش می‌کند تا با بهره‌گیری از منابع معتبر اسلامی، مطالب فوق اثبات گردد.

کلیدواژه‌ها: جهاد ابتدایی، روابط بین الملل، صلح، دعوت، اصل تألیف قلوب، اصل احسان، عقد ذمه، عقد امان.

مقدمه

به منظور نیل به این هدف، و برای پاسخ‌گویی به این سؤال که جهاد ابتدایی چه آثار و پیامدهایی در عرصه روابط بین‌الملل بر جای می‌گذارد و این آثار تا چه حد صلح‌آمیز خواهد بود، ابتدا با ترسیم اهداف جهاد، پیامدهای مثبت جهاد در اسلام نشان داده شده است. سپس تلاش شده است تا با طرح مباحثی همچون اصل جهانی بودن رسالت اسلام، اصل دعوت و ملاک قتال در جهاد ابتدایی، توجیه منطقی برای وجود چنین فریضه‌ای ترسیم گردد. آن‌گاه برخی از مهم‌ترین آثار صلح‌آمیز جهاد در روابط بین‌الملل طرح گردیده و تلاش شده است جایگاه اصل دعوت عقد ذمه، و عقد امان در استقرار و ثبات صلح بین‌المللی، نشان داده شود تا در نهایت، اثبات گردد که فریضه‌ای همچون جهاد، نقش محوری در تحقق صلح و همزیستی جهانی دارد. البته آثاری تاکنون در این زمینه به نگارش درآمده‌اند؛ برخی از این آثار تنها به بحث جهاد ابتدایی پرداخته‌اند و از جهات مختلف آن را مورد بررسی قرار داده‌اند. برخی از آثار هم به بررسی روابط بین‌الملل از دیدگاه اسلام پرداخته‌اند. اما اثری که آثار صلح‌آمیز جهاد را در روابط بین‌الملل مورد بررسی قرار داده باشد و تمرکز بحث خود را روی آیات برده باشد، یافت نشد.

الف. اهداف و پیامدهای مثبت جهاد در اسلام

برخلاف رویه رایج در روابط بین‌الملل، که اهداف شیطانی افراد، گروه‌ها و کشورها در تحقق جنگ‌ها نقشی اساسی دارد، در اسلام، این اهداف، محدود به موارد مشخصی است و این امر، زمینه‌ای را فراهم خواهد ساخت که کسی به خود جرئت ندهد به نام اسلام دست به جنگی بزند، در حالی که از آن جنگ، به دنبال تحقق اهداف شیطانی خود باشد.

سیاست خارجی دولت اسلامی مبتنی بر اصول و موازینی است که عمل بدان‌ها می‌تواند در عرصه بین‌الملل نویددهنده همان صلح و امنیتی باشد که جامعه جهانی همواره به دنبال دستیابی به آن بوده است، لیکن تاکنون نه تنها این صلح و امنیت در نظام بین‌الملل تثبیت نگردیده، بلکه این عرصه شاهد جنگ‌ها و درگیری‌های فزاینده بوده است. در سیاست خارجی دولت اسلامی، آثار و بازتاب‌های احکام جهادی اسلام که می‌تواند منشأ صلح و امنیت بین‌المللی گردد، از اهمیت برخوردار است و شناخت چنین آثار و پیامدهایی می‌تواند نشان دهد که اسلام، در متن جهاد، به دنبال استقرار صلح در دنیا بوده است؛ اما صلحی پایدار و مبتنی بر عزت و حکمت. در این تحقیق، تلاش خواهد شد تا با توجه به آیات کریمه قرآن مجید و نیز برخی از مسائل مهم روابط بین‌الملل در حال حاضر، آثار صلح‌آمیز جهاد در اسلام تبیین گردد و بازتاب آنها در روابط بین‌الملل نشان داده شود.

ذکر این نکته نیز بایسته است که در آیات و روایات و نیز عبارات فقها، در خصوص مفهوم «جهاد»، با تعابیر مختلفی مواجه خواهیم شد؛ در برخی موارد، معنای لغوی آن مدنظر بوده است و از این رو، حتی بر دفاع نیز اطلاق جهاد شده است. آیات و روایات و احکام فقهی‌ای که در زمینه فضیلت جهاد، مجاهد، شهادت فی سبیل‌الله و... به کار رفته است، گویای این است که در این عبارات، معنای اصطلاحی خاص جهاد مدنظر نبوده است. جهاد در معنای خاص خود، معادل جهاد ابتدایی یا جهاد دعوت است و شامل دیگر موارد جنگ در اسلام نمی‌شود. در این مقاله، مفهوم خاص جهاد (جهاد دعوت یا جهاد ابتدایی) مدنظر است و هدف این نوشتار نیز دفاع از نظریه جهاد در عرصه سیاست خارجی دولت اسلامی می‌باشد.

۱. گسترش توحید و خداپرستی

از آیات زیادی که در آنها واژه «فی سبیل‌الله» در کنار امر به قتال آمده است،^(۱) می‌توان به این نکته پی برد که خداوند متعال همواره و در تمام جنگ‌ها این هدف را مدنظر داشته، هیچ جنگی بدون تحقق این هدف مشروعیت ندارد.^(۲) در واقع، این هدف طلیعه اهداف دیگر جهاد است و جهاد بدون چنین مفهومی ارزش خود را از دست می‌دهد.^(۳) اصولاً هدف از جهاد آن است که از حق خداوند در بندگی دفاع شود؛ چراکه هدف از خلقت، کمال و بندگی خداوند است. برای طی کردن مسیر بندگی باید از هر طریقی که شده، عبادت خداوند در روی زمین را گسترش بخشید؛ یکی از این راه‌ها، جهاد است که در سایه آن، حاکمیت و بندگی خداوند توسعه داده می‌شود.

۲. برجیدن فتنه از روی زمین

برجیدن فتنه از روی زمین و به ویژه نابودی بارزترین مصداق آن، یعنی کفر و شرک، یکی از اهداف جهاد در اسلام محسوب می‌شود.^(۴) در آیاتی از قرآن کریم، این هدف از جهاد بارها مورد تأکید قرار گرفته است. آیات شریفه «وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ فَإِنِ انْتَهَوْا فَإِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ بَصِيرٌ» (انفال: ۳۹) و نیز «وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ فَإِنِ انْتَهَوْا فَلَا عُدْوَانَ إِلَّا عَلَى الظَّالِمِينَ» (بقره: ۱۹۳) هدف از قتال را ذکر نموده است. براساس قراین موجود در خود این آیات و نیز روایاتی که در این زمینه وارد شده، مراد از فتنه، کفر و شرک نسبت به خداوند متعال است.

۳. رفع هرگونه ظلم و ستم

رفع هرگونه ظلم و ستم نسبت به خود و سایر مظلومان و گسترش عدل و عدالت در هر نقطه‌ای از جهان نیز مورد

تأکید اسلام است.^(۵) در آیاتی از قرآن کریم، مبارزه با ظلم و دفاع از مظلوم نیز از اهداف جهاد شمرده شده است. آیه شریفه «أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلِمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ» (حج: ۳۹)، دلیل اذن به جنگ با دیگران را ظلمی دانسته است که در حق آنان اعمال شده است. در آیه شریفه «وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَاجْعَل لَّنَا مِن لَّدُنكَ وَلِيًّا وَاجْعَل لَّنَا مِن لَّدُنكَ نَصِيرًا» (نساء: ۷۵) نیز خداوند متعال افراد بی تفاوت نسبت به سرنوشت کسانی را که فریاد مظلومیت سر می‌دهند مورد عتاب قرار داده، آنها را به قتال با ظالمان تحریض نموده است.^(۶)

در برخی از کتب،^(۷) یکی از مصادیق ظلم، گذاشتن مانع در برابر دعوت به سوی خدا دانسته شده است. در این صورت، برای برجیدن موانع دعوت و برای اجرای آزادی عقیده و بیان، باید با ظالمانی که باعث از بین رفتن زمینه گسترش دعوت می‌گردند به جنگ پرداخت. در آیه شریفه «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مَن يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ» (حدید: ۲۵) نیز خداوند متعال اولین وسیله برای اجرای قسط و عدل الهی را گفت‌وگو و اقتناع فکری دانسته و در صورت عدم تأثیر، استفاده از زور را تجویز نموده است.^(۸)

در صورتی که در درون حاکمیت اسلامی نیز بین دو گروه نزاعی درگرفت و یکی از دو طرف، پس از میانجی‌گری دولت اسلامی، به تعدی و تجاوز پرداخت و طرف مقابل را مورد ظلم خود قرار داد، بر اساس آیه شریفه «وَإِن طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا فَإِن بَغَتْ إِحْدَاهُمَا عَلَى الْأُخْرَىٰ فَقَاتِلُوا الَّتِي تَبْغِي

می‌شود، وگرنه باید در انتظار کیفر اعمال خود باشند و از این‌رو، در آیه بعد خداوند با شدت بیشتری امر به قتال با کفار و مشرکان می‌نماید.

۶. اصلاح و تربیت خود مسلمانان و افزایش درجه

ایمان آنان

یکی از برکات جنگ این است که شدائد و گرفتاری‌های جنگ، مسلمانان را تحت آزمایش قرار می‌دهد و از آنان سلحشورانی می‌سازد که آمادگی تقدیم جان و مال خود برای حفظ اسلام و مسلمانان را خواهند داشت. شهید مطهری، در بحث از عوامل اصلاح و تربیت، جهاد را مهم‌ترین عامل تربیتی دانسته و آورده است:

جهاد هم خودش یک عاملی است که جان‌نشین نمی‌پذیرد. یعنی امکان ندارد که یک مؤمن مسلمان جهادرفته و یک مؤمن مسلمان جهادندیده از نظر روحیه یک‌جور باشند. انسان در شرایطی قرار می‌گیرد... که با کسی روبه‌روست و او به روی وی اسلحه کشیده، در لحظه‌ای باید تصمیم بگیرد، شور ایمانش چنان ثابت و پابرجا باشد که در آن لحظه مرگ، خودش را به خاطر دین و ایمانش در کام اژدهای مرگ بیندازد. کاری که از این عامل [تربیتی] ساخته است از عامل‌های دیگر ساخته نیست. (۱۰)

برخی از آیات قرآن نیز این هدف والای جهاد را گوشزد نموده است؛ در آیه شریفه ﴿وَلَتَبْلُوكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالسَّمْرَاتِ وَبَشِيرِ الصَّابِرِينَ﴾ (بقره: ۱۵۵) خداوند متعال به پیامبر خود امر می‌کند به کسانی که در برابر آزمایش‌های سخت الهی صبر پیشه می‌کنند، بشارت دهد. از این آیه به دست می‌آید که قرار گرفتن در شدائد، و به ویژه جنگ، انسان را از لحاظ معنوی و روحی استکمال بخشیده و او را آماده دریافت

حَتَّى تَفِيَّ إِلَىٰ أَمْرِ اللَّهِ فَإِن فَاءَتْ فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ وَأَقْسِطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ﴾ (حجرات: ۹) باید با متجاوز به حقوق دیگران به قتال پرداخت تا تسلیم امر خداوند گردند. در اینجا نیز افراد یاغی، از مصادیق ظالمان هستند که باید در برابر آنان سختی نشان داد.

۴. نمایش اقتدار سپاه اسلام

نمایش اقتدار سپاه اسلام برای به وحشت انداختن دشمنان اسلام و تضعیف روحیه جنگ‌افروزی آنان، یکی از پیامدهای مثبت جنگ در اسلام است. (۹) خداوند متعال در آیه شریفه ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قَاتِلُوا الَّذِينَ يَلُونَكُمْ مِنَ الْكُفَّارِ وَلِيَجِدُوا فِيكُمْ غِلْظَةً وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ﴾ (توبه: ۱۲۳) یکی از پیامدهای قتال را تضعیف روحیه کفار، پس از مشاهده قدرت و شوکت سپاه اسلام دانسته است. در صورتی که کفار از مسلمانان ضعیفی را مشاهده کنند، به فکر تسلط بر مسلمانان و جسارت و گستاخی نسبت به آنان خواهند افتاد.

۵. فرصت تفکر برای گمراهان

فرصت تفکر برای گمراهان و امکان توبه برای آنان، در صورت دعوت آنها به سوی خدا پیش از جنگ می‌تواند به عنوان یکی از پیامدهای دیگر مثبت جنگ در اسلام مطرح باشد. با توجه به حکم و جوب دعوت، نمی‌توان تردید نمود که یکی از انگیزه‌های این حکم، ایجاد فرصت برای غافلان و گمراهان است تا از راه انحرافی خود به سمت راه صحیح تغییر جهت دهند. از این‌رو، خداوند برای ترغیب این افراد به توبه، به آنان بشارت می‌دهد: ﴿قُلْ لِلَّذِينَ كَفَرُوا إِن يَنْتَهُوا يُعْفَرُوا لَهُمْ مَّا قَدْ سَلَفَ وَإِن يَعُودُوا فَقَدْ مَضَتْ سُنَّةُ الْأَوَّلِينَ﴾ (انفال: ۳۸) بر اساس این آیه، بازگشت کفار سبب بخشش گناهان قبلی آنان

داده‌اند، نیز خود دو دسته‌اند؛ برخی آن را واجب و برخی آن را جایز دانسته‌اند. این بحث جای تحقیق و پژوهش فراوان دارد و برخی از فقها نیز به تفصیل اقوال موجود را تحلیل و ارزیابی نموده‌اند.^(۱۱)

البته این نوع جهاد در هنگامی واجب می‌شود که مسلمانان در موضع اقتدار باشند و از سویی، کفار مانع دعوت دیگران به سوی اسلام گردند؛ از این رو، یکی از شرایط اولیه چنین جنگی آن است که پیش از هر چیز دعوت صورت پذیرد و چنانچه با دعوت مسالمت‌آمیز، زمینه نشر معارف و احکام اسلام تحقق یابد، دست زدن به چنین جنگی روا نخواهد بود.

توجه به چندین نکته، می‌تواند ماهیت واقعی جهاد ابتدایی را روشن سازد و درک آثار و پیامدهای آن در عرصه روابط بین‌الملل را آسان سازد. این نکات، در موارد ذیل خلاصه می‌شود:

۱. اصل جهانی بودن رسالت اسلام

از آن رو که تحقق عبودیت خداوند توسط جن و انس، مهم‌ترین هدف آفرینش است،^(۱۲) یکی از ویژگی‌های ذاتی دین مبین اسلام، جهانی بودن آن است. خداوند متعال در موارد متعددی در قرآن کریم متذکر چنین اصلی گردیده است^(۱۳) و مفسران، از آیات مختلفی جهانی بودن اسلام را برداشت نموده‌اند. در میان عبارات مفسران شیعه، عبارات صاحب تفسیر المیزان در زمینه جهانی بودن اسلام از صراحت برخوردار است. وی تصریح نموده که پیامبر ﷺ به سوی تمام بشریت برانگیخته شد و دعوت او به سوی اسلام مختص قوم خاصی نیست و تمام امکان و ازمنه را دربر می‌گیرد.^(۱۴) او همچنین ارسال پیامبر اکرم ﷺ به سوی تمام افراد بشر را مقتضای عمومیت رسالت آن حضرت دانسته است.^(۱۵)

بشارت از سوی پیامبر اکرم ﷺ می‌سازد. در آیه شریفه ﴿كُنْتُ عَلَيْنَكُمُ الْقِتَالُ وَهُوَ كُرْهُ لَكُمْ وَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئاً وَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَعَسَى أَنْ تُحِبُّوا شَيْئاً وَهُوَ شَرٌّ لَّكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾ (بقره: ۲۱۶) نیز هرچند به این مطلب اشاره شده که جنگ دارای مشقاتی است و باب طبع انسان‌ها نیست، لیکن تأکید گردیده که در وجوب این قتال برای مؤمنان برکاتی نهفته است که انسان اگر به آن برکات علم داشته باشد، عاشقانه جاننش را در طبق اخلاص می‌گذارد. یکی از این برکات که معمولاً انسان‌ها از آن غافلند این است که جهاد باعث ارتقای درجه مؤمنان در نزد خداوند می‌گردد.

ب. ماهیت و فلسفه جهاد در اسلام

یکی از اهداف متعالی اسلام، بندگی انسان در برابر خداوند است. لازمه تحقق این هدف نیز ابلاغ احکام و معارف اسلام به اقصا نقاط جهان است. یکی از ابزار کارآمد در این جهت، دعوت دیگران به سوی اسلام می‌باشد. جهاد دعوت نیز که در لسان فقهای شیعه، به جهاد ابتدایی شهرت یافته است، در راستای این هدف و به منظور برخورد با مانعان دعوت تشریح شده است.

حکم جهاد ابتدایی در زمان حضور پیامبر اکرم ﷺ و امام معصوم علیهما السلام مشخص است و کمتر کسی در وجوب آن تردید به خود راه داده است. اما اختلاف گسترده در این مسئله، مربوط به زمان غیبت است. برخی از فقها معتقدند که حکم وجوب جهاد دعوت، منحصر به زمان حضور امام علیهما السلام است و در زمان غیبت مشروعیت ندارد. برخی دیگر، بر این اعتقادند که در زمان غیبت نیز ولی فقیه جامع‌الشرایط عهده‌دار امر جهاد با مشرکان است و جهاد دعوت باید در زیر لوای پرچم او صورت پذیرد. آنان که در زمان غیبت، حکم به مشروعیت جهاد دعوت

۲. اصل دعوت غیرمسلمانان به سوی اسلام

با پذیرش اصل جهانی بودن اسلام، یکی از مسائلی که از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، نحوه معرفی اسلام به جهانیان است. برخی از آیات قرآن کریم، مسلمانان را نسبت به دعوت به سوی اسلام تحریض می‌نماید. در اینجا به ذکر چند آیه در این زمینه اکتفا می‌نماییم.

«ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ.» (نحل: ۱۲۵) در این آیه شریفه، خداوند متعال، پیامبر خود را به حکمت و موعظه نیکو و بهترین جدال امر کرده است. هرچند که در تفسیر این سه مورد اختلافاتی میان مفسران وجود دارد، لیکن مطابق تمام تفاسیر، آیه دعوت به سوی اسلام را مورد تأکید قرار داده است. شوکانی، از مفسران اهل سنت، معتقد است: حذف مفعول در اینجا نشان از این است که این دعوت باید همگانی بوده، شامل کفار نیز بشود. دلیل این امر نیز آن است که وی مبعوث به سوی تمام مردم است. شوکانی مراد از «سبیل الله» در آیه را اسلام گرفته است و این نکته، شاهد بسیار خوبی است که این دعوت، شامل دعوت کفار به سوی اسلام نیز می‌شود. (۲۰)

«وَمَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا مِمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ وَعَمِلَ صَالِحًا وَقَالَ إِنَّنِي مِنَ الْمُسْلِمِينَ.» (فصلت: ۲۳) در این آیه شریفه نیز خداوند متعال، دعوت به سوی اسلام را یکی از بهترین اعمال، و چنین دعوت‌کننده‌ای را به عنوان بهترین فرد معرفی کرده است.

«قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي.» (یوسف: ۱۰۸) در این آیه یکی از موارد تبعیت از پیامبر ﷺ، دعوت دیگران به سوی خداوند شمرده شده است. «من» در این آیه عمومیت دارد و شامل کلیه تابعان آن حضرت می‌شود. برخی از مفسران نیز از این آیه،

از میان تفاسیر اهل سنت نیز می‌توان عبارات صریحی در این زمینه به دست آورد. از جمله، محمدبن جریر طبری در ذیل آیه ۱۵۸ سوره «اعراف»، برجستگی دین مبین اسلام نسبت به سایر ادیان را، رسالت جهانی این دین دانسته است. (۱۶)

علاوه بر آیاتی که با صراحت بر جهانی بودن رسالت اسلام تأکید می‌کند، آیات فراوان دیگری را نیز می‌توان یافت که از لحن آنها چنین اصلی استفاده می‌شود. وجود خطاب‌های عام در قرآن کریم مؤید این کلام است: «در قرآن کریم هیچ جا خطابی به صورت "یا ایها العرب" و "یا ایها القرشیون" پیدا نمی‌کنید. آری، گاهی در برخی از جاها، بخصوص، خطاب "یا ایها الذین آمنوا" هست که خطاب مربوط به خصوص مؤمنین است که به پیغمبر گرویده‌اند. و در این جهت هم فرق نمی‌کند؛ مؤمن از هر قوم و ملتی باشد، داخل خطاب است.» (۱۷)

بدین ترتیب، مشخص گردید که قرآن کریم اصل جهانی بودن رسالت اسلام را پذیرفته و بر آن تأکید می‌ورزد و یکی از امتیازات اسلام نسبت به سایر ادیان را همین امر می‌داند. با بررسی احکام فقها، در ابواب مختلف فقه، می‌توان به خوبی به نتایج جهانی بودن رسالت اسلام پی برد. فاضل هندی در کشف اللثام در بحث از ارتداد می‌نویسد: در صورتی توبه شخص پذیرفته می‌شود که عمومیت رسالت پیامبر ﷺ را بپذیرد و اقرار به یگانگی خداوند و حتی ایمان به نبوت پیامبر، به تنهایی، کفایت نمی‌کند. (۱۸) برخی از فقها در باب «محارب» بر این عقیده‌اند که چنانچه سبب کفر کسی، انکار عمومیت رسالت جهانی پیامبر ﷺ باشد، برای توبه باید تصریح به عمومیت نبوت نماید و در اینجا ذکر شهادتین، به تنهایی، کفایت نمی‌کند. (۱۹)

برداشت فوق را داشته‌اند. (۲۱)

- ﴿فَلَا تَطْعِ الْكَافِرِينَ وَجَاهِدْهُمْ بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا﴾ (فرقان: ۵۲) از این آیه می‌توان برای اثبات وجوب جهاد فرهنگی بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله شاهد آورد. در اینجا به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله سفارش شده که تسلیم کفار نشود و به وسیله قرآن و ادله و حجج، برای تبلیغ دین مجاهده کند.

آیات دیگری نیز در این زمینه وجود دارد که بررسی یکایک آنها نوشتاری مستقل را می‌طلبد. (۲۲) اما نکته‌ای که حایز اهمیت است این است که دعوت به سوی توحید، طبق آیات قرآن کریم، منحصر به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نبوده، بلکه در مورد سایر انبیا نیز مطرح گردیده است؛ چنان‌که خداوند متعال به موسی و هارون امر فرمود: ﴿أَذْهَبَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَّيِّنًا لَّعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَىٰ﴾ (طه: ۴۳ و ۴۴) در این آیه، دعوت به سوی حق، به وسیله کلام نرم و به دور از خشونت، توصیه شده است.

بنابراین، جامعیت دین اسلام، عقلاً اقتضا می‌کند که احکام و دستورات و معارف خود را به تمام کسانی که در این محدوده قرار دارند، برساند؛ در غیر این صورت، نمی‌توان ادعا کرد که این شریعت برای هدایت تمامی انسان‌ها آمده است و اگر ادعا شود که غرض این دین، هدایت تمامی انسان‌هاست، در این صورت، نقض غرض نموده است. لازمه طبیعی یک دین جهانی این است که احکام و معارف خود را در سرتاسر جهان بگستراند. (۲۳)

از سوی دیگر، مکلف نمودن تمام بندگان به عبادت خداوند، براساس آیه شریفه ﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾ (ذاریات: ۵۶) بدون آنکه تعلیمات دین به دست آنها رسیده باشد خلاف حکمت است و بدون تبلیغ احکام و دستورات دینی نمی‌توان کسی را مواخذه و عذاب نمود. مؤید این حکم عقل، آیه شریفه ﴿وَمَا كُنَّا مُعَذِّبِينَ حَتَّىٰ تَبْعَثَ رَسُولًا﴾ (اسراء: ۱۵) می‌باشد که عذاب

را متوقف بر مبعوث نمودن پیامبران کرده است.

یکی از مباحث با اهمیت در اینجا، بحث از دامنه و گستره دعوتی است که به عنوان یکی از مقدمات جهاد ابتدایی مورد تأکید قرار گرفته است. تردید نباید داشت که مراد از این دعوت، تنها دعوت و هشدار و انذار پیش از جنگ نیست، بلکه دعوت به سوی اسلام، اصل مستقلى است که در کلیه ممکنه و ازمنه کاربرد دارد و با پذیرش اصل جهاد در زمان غیبت، این حکم به زمان غیبت نیز تسری می‌یابد. برخی از آیات که در زمینه دعوت ذکر گردید، به صراحت دلالت بر آن دارد که آنچه در قرآن مورد تأکید قرار گرفته، دعوتی فراتر از هشدار و انذار پیش از جنگ است و گستره چنین دعوتی، شامل کلیه ازمنه و امکانه می‌شود. برخی از فقهای شیعه (۲۴) در ابتدای بحث جهاد، به تعریف واجب کفایی پرداخته، اقامه حجج و دفع شبهات را یکی از مصادیق واجبات کفایی دانسته‌اند. عمل به این واجب نیز محقق نخواهد شد، مگر آنکه مکلفان مدت زمان زیادی را صرف فراگیری علوم دینی نموده و پس از آن، در قالب مناظره، گفت‌وگو، نوشتن کتب و مقالات و دیگر اشکال دعوت، براهین و حجج را اقامه نموده، شبهات را پاسخ دهند. این امر مستلزم برنامه‌های درازمدتی است که با زمان محدود پیش از جنگ قابل حصول نیست.

عبارت صاحب کتاب *فقه الصادق علیه السلام* در این زمینه بسیار گویاست. وی در زمینه خصوصیت دعوت پیش از قتال تصریح می‌کند: جهاد، قبل از «حکمت» و «موعظه» و «جدال احسن» نامشروع است. (۲۵) شهید صدر نیز در ضمن مباحث جهاد مشروع در اسلام، در زمینه یکی از شرایط چنین جنگی می‌نویسد: دعوت قبل از قتال باید به گونه‌ای باشد که حجت را بر دیگران تمام نماید و مجالی برای خدشه در اسلام باقی نگذارد؛ این امر نیز تحقق نمی‌یابد، مگر با دعوت فراگیر و گسترده‌ای که اسلام را به

خوبی به کفار معرفی کند. (۲۶)

صورت خواهد گرفت. ادله فراوانی از قرآن کریم و روایات بر این مطلب صحه می‌گذارد که در اینجا مجال پرداختن بدان‌ها نیست.

بنابراین، در صورتی جهاد ابتدایی به مرحله جنگ کشیده خواهد شد که دفاع از دعوت و دعوت‌کنندگان راهی جز جنگ باقی نگذارد و واضح است که رژیم‌های سیاسی هدف اولیه تعرض مسلمانان خواهند بود؛ زیرا رژیم‌های سیاسی که مانع دعوت می‌شوند، از بازترین مصادیق طاغوت هستند و برچیدن طاغوتیان که «صد عن سبیل الله» می‌نمایند، لازم است. از این رو، در اینجا جهاد، در برابر طاغوتیان از اهل کتاب و مشرکان خواهد بود، نه هر کسی که نام کتابی یا مشرک بر او نهاده شده باشد. بررسی آیات متعددی از قرآن کریم و عبارات مفسران در ذیل این آیات، نشان می‌دهد که اولاً، در قرآن کریم، طاغوت از معنایی عام برخوردار است و شامل کفاری که مانع دعوت می‌شوند نیز می‌گردد. ثانیاً، وظایفی برای مسلمانان برای مقابله با طاغوت شمرده شده است.

عمومیت مفهوم طاغوت در آیه شریفه ﴿وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ فَمِنْهُمْ مَن هَدَى اللَّهُ وَمِنْهُمْ مَن حَقَّتْ عَلَيْهِ الضَّلَالَةُ فَسَبِّحُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ﴾ (نحل: ۳۶) به وضوح مشخص است؛ چراکه در این آیه، عبادت خداوند در مقابل اجتناب از طاغوت قرار داده شده است و از این رو، همان‌گونه که برخی از مفسران نیز در ذیل این آیه بر آن تأکید کرده‌اند، (۲۹) مراد از طاغوت هر چیزی غیر از خداست که مورد پرستش قرار گیرد و یا مبنا برای فرمان‌برداری قرار داده شود.

در تفسیر آیه شریفه ﴿لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ فَمَن يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِن بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ لَا انْفِصَامَ لَهَا وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ﴾

بدین ترتیب، مشاهده می‌شود که اسلام تأکید فراوانی بر دعوت پیش از قتال می‌نماید و این دعوت امری فراتر از هشدار و اندازی است که در روابط بین‌الملل قبل از هر جنگی حاکم است و حقوق بین‌الملل نیز بر آن صحه می‌گذارد.

۳. برچیدن حاکمیت کفر؛ ملاک قتال در جهاد ابتدایی

یکی از مباحثی که در زمینه آثار جهاد در روابط بین‌الملل، اهمیت فراوانی دارد و آثار فراوانی، به ویژه در بحث اصالت جنگ یا صلح در اسلام، بر آن بار می‌شود، بحث از ملاک قتال در اسلام است. برخی بر این نظرند که کفر کفار، علت تامه برای قتال با کفار است. براساس این قول، در صورتی که دعوت اسلام به گوش کفار رسیده باشد و از سوی دیگر، مسلمانان نسبت به کفار از قدرت بیشتری برخوردار باشند، بر مسلمانان کشتن کفار واجب است و تنها راه فرار از مرگ، اسلام آوردن آنان است. (۲۷)

بر اساس قول دیگر، آنچه موجب قتال در اسلام می‌شود، محاربه و اموری نظیر آن است نه کفر و شرک. در برخی از کتب ادعا شده که این قول، ابتدا از سوی سفیان ثوری مطرح گردیده که حتی قتال با مشرکان را هم تنها در جهت دفاع از خود لازم می‌داند و پس از او، برخی از قداما این نظر را ترجیح داده‌اند و اکثر فقهای معاصر نیز این قول را برگزیده، براساس آن فتوا داده‌اند. (۲۸)

اما قول سوم - که به نظر، همین قول صحیح می‌آید - برچیده شدن حاکمیت کفر و استقرار حاکمیت الهی را دلیل قتال در جهاد ابتدایی می‌داند نه خود کفر. از این رو، تنها هدف در جهاد ابتدایی، زمینه‌سازی برای دعوت دیگران به سوی اسلام است و هرگاه سران طاغوت، مانع چنین دعوتی گردند، به دلیل آنکه انسان‌هایی را از شنیدن حقیقت بازداشته‌اند، تحت شرایط خاصی، با آنان قتال

از مصادیق بارز آن در نظر گرفت. در این صورت، دوری گزیدن از این کفار و از بین بردن حاکمیت آنان، برای فراهم ساختن زمینه عبادت خداوند لازم و ضروری می‌باشد.

ج. آثار صلح‌آمیز جهاد در روابط بین‌الملل

با پذیرش نظریه جهاد، روابط میان مسلمانان و غیرمسلمانان دستخوش تغییراتی خواهد شد. این تغییرات، دامنه وسیعی را شامل می‌شود و حوزه‌های مختلفی را تحت تأثیر قرار خواهد داد. در اینجا تلاش خواهد شد تا جنبه‌های مختلف ارتباط میان نظریه جهاد و صلح و امنیت بین‌المللی مورد توجه قرار گیرد. بدین ترتیب، روشن خواهد شد که هیچ‌گاه اسلام در پی جنگ نبوده است، بلکه همواره راه‌هایی را برای جلوگیری از جنگ و خون‌ریزی قرار داده و برای ایجاد روابطی صلح‌آمیز میان مسلمانان و غیرمسلمانان تلاش نموده است.

۱. جایگاه اصل دعوت در استقرار و ثبات صلح

بین‌المللی

اصل دعوت، به عنوان یکی از مقدمات و شرایط جهاد، که پیش از این، سخن از آن به میان آمد، در استقرار و ثبات صلح در عرصه بین‌الملل نقشی اساسی را ایفا می‌نماید. کافی است در اینجا به برخی از ابزار دعوت در دیپلماسی دولت اسلامی اشاره شود تا جایگاه آن در تحکیم صلح و ثبات در دنیا بارز گردد؛ ابزارهایی که اسلام برای دعوت دیگران به سوی اسلام در اختیار سیاست‌گذاران خارجی دولت اسلامی قرار می‌دهد:

الف. اختصاص یافتن بخشی از سهم «مؤلفه قلوبهم» به کفار: در آیه شریفه ﴿إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسْكِينِ وَالْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَالْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ وَفِي الرِّقَابِ وَالْغَارِمِينَ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَابْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةً مِّنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ

(بقره: ۲۵۶) نیز، برخی از مفسران تصریح نموده‌اند که مراد از کفر به طاغوت، کفر به هر چیزی است که مخالف امر خداوند باشد^(۳۰) و برخی نیز استفاده این کلمه را در هر چیزی دانسته‌اند که به وسیله آن طغیان صورت می‌گیرد؛ همانند انواع گوناگون معبودات غیر از خداوند نظیر بت‌ها، شیاطین، جن، راهنمایان به سوی ضلالت و هر اطاعت شونده‌ای که خداوند رضایت به پیروی از او ندارد.^(۳۱)

عبارات مفسران در ذیل آیه شریفه ﴿الَّذِينَ آمَنُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ الطَّاغُوتِ فَقَاتِلُوا أَوْلِيَاءَ الشَّيْطَانِ إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفًا﴾ (نساء: ۷۶) مؤید این مطلب است که «طاغوت» در این آیه نیز عمومیت دارد. در این آیه، ظالم جبار و کسی که از وظایف بندگی خداوند سر باز می‌زند، به عنوان طاغوت معرفی شده است و از این‌رو، این تعریف از طاغوت، تعاریف دیگری که طاغوت را به هر معبودی غیر از خداوند معنا می‌کنند، دربر می‌گیرد.^(۳۲)

با تدبیر در این آیات و تفاسیر، به خوبی می‌توان دریافت که طاغوت از معنایی گسترده برخوردار است و شامل سران کفری که مانع تبلیغ اسلام می‌شوند نیز می‌گردد. خداوند متعال در آیه شریفه ﴿وَالَّذِينَ اجْتَنَبُوا الطَّاغُوتَ أَنْ يَعْبُدُوهَا وَأَنَابُوا إِلَى اللَّهِ لَهُمُ الْبُشْرَىٰ فَبَشِّرْ عِبَادِ﴾ (زمر: ۱۷) وظیفه مسلمانان را در برابر طاغوت بیان نموده، ایشان را موظف کرده است تا علاوه بر اجتناب از پرستش طاغوت، عبادت خداوند را نیز سرلوحه برنامه‌های خود قرار دهند.^(۳۳)

پس مسلمانان موظفند که اولاً، خود از طاغوت اجتناب نمایند و ثانیاً، به سمت خدا روی آورند و تنها او را عبادت کنند و زمینه بندگی او را نیز در جهان فراهم سازند. بدون تردید، با توجه به مفهوم گسترده طاغوت، می‌توان مانعان از دعوت به سوی خداوند را به عنوان یکی

می‌کنند، از اصول پذیرفته شده اسلام به شمار می‌رود. در اسلام بر انجام کاری به نفع انسان‌ها - مسلمان و غیرمسلمان، خوب و بد - تأکید فراوانی شده است،^(۴۳) این امر نشان می‌دهد که روابط اولیه مسلمانان و غیرمسلمانان بر پایه اصل صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز و از آن بالاتر، احسان به یکدیگر قرار دارد و تا زمانی که بتوان از طرق مذکور، کفار را به سوی اسلام کشاند، نوبت به جنگ نمی‌رسد.

در آیه شریفه «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ» (نحل: ۹۰) امر به عدل و احسان به صورت مطلق آمده است و شامل کفار و مسلمانان می‌شود؛ زیرا امر به احسان در آیه در کنار امر به عدل و بخشش به نزدیکان و نهی از فحشا و منکر و ستم آمده است، که این امور بدون شک، عمومیت دارند و سیاق عبارت اقتضا می‌کند که امر به احسان نیز عمومیت داشته باشد. البته اختلافاتی در میان مفسران و لغویان در زمینه مراد از احسان و عدل و رابطه این دو وجود دارد، ولی در هر حال، هیچ‌یک از این تفاسیر منکر عمومیت احسان در آیه نیست.^(۴۴)

آیه دیگری که می‌توان از آن، عمومیت احسان را استفاده کرد، آیه شریفه «لَيْسَ عَلَى الضُّعْفَاءِ وَلَا عَلَى الْمَرْضَىٰ وَلَا عَلَى الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ مَا يَنْفِقُونَ حَرَجٌ إِذَا نَصَحُوا لِلَّهِ وَرَسُولِهِ مَا عَلَى الْمُحْسِنِينَ مِنْ سَبِيلٍ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (توبه: ۹۱) می‌باشد. در عبارت «مَا عَلَى الْمُحْسِنِينَ مِنْ سَبِيلٍ»، نکره در سیاق نفی قرار گرفته است و این دلالت بر عمومیت دارد. همچنین «الْمُحْسِنِينَ» در آیه، جمع محلی به «ال» است که آن هم دلالت بر عمومیت می‌کند. مطابق این بیان، آیه مذکور به این معنا خواهد بود که برای هیچ فرد نیکوکاری، حرج و عقوبت وجود ندارد.

حکیم» (توبه: ۶۰) خداوند متعال بخشی از صدقات واجب را متعلق به «مؤلفه قلوبهم» دانسته است و در واقع، آنان را از اصناف مستحق زکات برشمرده است. «مؤلفه» اسم مفعول از باب تفعیل می‌باشد و از «الفه» گرفته شده است و «الفه» به معنای جمع کردن بعد از تفرق و نیز به معنای انس و محبت آمده است.^(۳۴) «مؤلفه قلوبهم» نیز به کسانی گفته می‌شود که به وسیله مودت و احسان مالی و به منظور نصرت دین، قلوب آنان به سمت اسلام جذب گردد، بذریع محبت اسلام در دل آنان افکنده شود و یا ایمانشان تقویت شود.^(۳۵) البته در مصادیق و کم و کیف این حکم اختلافات زیادی بین فقها وجود دارد. برخی این سهم را مختص به زمان پیامبر اکرم ﷺ و ائمه اطهار علیهم السلام دانسته، مشروعیت آن را در زمان حاضر زیر سؤال برده‌اند^(۳۶) و برخی دیگر، حکم آن را به سایر زمان‌ها تعمیم داده‌اند.^(۳۷) بعضی از فقها این حکم را مختص به کفار دانسته‌اند و دادن چنین سهمی به مسلمانان را روا نمی‌دانند.^(۳۸) عده‌ای دیگر، آن را تنها شامل مسلمانان دانسته^(۳۹) و برخی دیگر، هر دو گروه را مستحق چنین سهمی دانسته‌اند.^(۴۰) شماری دیگر نیز این حکم را تنها در مورد جهاد تجویز می‌نمایند و آن را به سایر موارد تعمیم نمی‌دهند،^(۴۱) اما برخی دیگر آن را به سایر موارد تعمیم داده و جهاد را به عنوان یکی از مصادیق ذکر می‌کنند.^(۴۲)

در هر صورت، اهتمام به این حکم، در عرصه سیاست خارجی دولت اسلامی، هم می‌تواند موجب تقویت اعتقادات مسلمانان در سایر کشورها شود و هم کفار را به سمت اسلام جلب و جذب نماید.

ب. اصل احسان و نیکوکاری: «احسان و نیکی به غیرمسلمانان، یعنی نیکی به افرادی که با مسلمانان یا کشور اسلامی در جنگ نبوده یا در کشور اسلامی زندگی

نیز مدافع حقوق وی به عنوان یک تبعه خواهد بود.»^(۴۷)
پیش از هر چیز، باید خاطرنشان سازیم که یهود و نصارا از مصادیق قطعی اهل کتاب به شمار می‌روند و در مورد برخی دیگر، نظیر مجوس و صابین، در بین فقها و اندیشمندان اختلافاتی وجود دارد، لیکن از عبارات بسیاری از فقهای شیعه و سنی می‌توان استفاده کرد که اینان نیز از اهل کتاب شمرده می‌شوند و دایره رحمت اسلام شامل این افراد نیز می‌گردد و اینان می‌توانند در پناه دولت اسلامی از امنیت کامل برخوردار شوند.^(۴۸)

این قرارداد راهی را جلوی پای مسلمانان می‌گذارد تا از طریق مسالمت‌آمیز، کفار ذمی را به سوی اسلام دعوت کنند؛ چراکه این کفار، با قرار گرفتن در جامعه اسلامی و آشنا شدن با احکام اسلام و رفتار انسانی مسلمانان، شیفته اسلام گردیده و از آیین خود دست می‌کشند.^(۴۹)

در قبال انجام وظایفی که اهل ذمه، همانند سایر شهروندان جامعه اسلامی، بر عهده دارند، حقوقی را اسلام برای آنان قرار داده است که جامعه اسلامی در تأمین آن حقوق، در برابر شرع و اهل ذمه مسئولیت دارد و باید پاسخگو باشد. اصل چهاردهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر این مطلب اظهار می‌دارد: «به حکم آیه شریفه ﴿لَا يَتَّخِذُ الْكُفْرُ مِنَ اللَّهِ عَيْنَ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوا فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ﴾، دولت جمهوری اسلامی ایران و مسلمانان موظفند نسبت به افراد غیرمسلمان با اخلاق حسنه و قسط و عدل اسلامی عمل نمایند و حقوق انسانی آنان را رعایت کنند. این اصل در حق کسانی اعتبار دارد که بر ضد اسلام و جمهوری اسلامی ایران توطئه و اقدام نکنند.»

به قدری اسلام نسبت به ادای حقوق اهل ذمه حساسیت نشان داده است که همین امر موجب به وجود

از آیه شریفه ﴿لَا يَتَّخِذُ الْكُفْرُ مِنَ اللَّهِ عَيْنَ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوا فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ﴾ (ممتحنه: ۸) نیز می‌توان استفاده کرد که خداوند متعال، تنها نیکوکاری نسبت به دو دسته از افراد را روا نمی‌داند. یک دسته کسانی هستند که با مسلمانان در جنگند و دسته دیگر کسانی هستند که آنان را از شهر و کاشانه خود بیرون رانده‌اند. از این رو، این آیه درصدد تحریک مسلمانان برای احسان به غیرمسلمانانی است که از این دو ویژگی برخوردار نباشند.^(۴۵)

۲. عقد ذمه

یکی از آثار مترتب بر جهاد این است که در جامعه اسلامی باید زمینه‌ای فراهم گردد تا شهروندان غیرمسلمان نیز قادر باشند همانند مسلمانان که در اکثریت بوده و حاکمیت را در دست دارند، به حقوق پیش‌بینی شده خود در قوانین و حقوق اسلامی دست یابند. براساس قوانین اسلام، به اقلیت‌های دینی این فرصت داده شده است تا از طریق انعقاد قرارداد با حاکم جامعه اسلامی، از همزیستی مسالمت‌آمیز با آنان برخوردار گردند. یکی از این قراردادها که برای اهل کتاب در جامعه اسلامی حقوقی را وضع می‌کند و در قبال آن، وظایفی را بر دوش آنان می‌گذارد، «عقد ذمه» می‌باشد. از بیانی که لغویان و نویسندگان کتب معجم در تعریف اهل ذمه آورده‌اند، می‌توان استفاده نمود که وجه تسمیه آنان به این نام این است که جان، مال و عرض این افراد، با این قرارداد بر ذمه مسلمانان قرار می‌گیرد و اینان در عهد و امان مسلمانان داخل می‌شوند.^(۴۶) این پیمان «شبهه قرارداد تابعیت است. امروزه کشورها با تبعه جدید خود بر اساس قانون تابعیت رفتار می‌کنند. طبق این قانون، تبعه به همه قوانین کشوری ملتزم می‌گردد و در عوض، حکومت

وَالْأَنْتَى بِالْأَنْتَى ﴿ (بقره: ۱۷۸) لفظ «الْقَتْلَى» به صورت عام آورده شده و از این رو، مختص به مسلمانان نمی‌باشد. در آیه شریفه ﴿وَكَتَبْنَا عَلَيْهِمْ فِيهَا أَنَّ النَّفْسَ بِالنَّفْسِ وَالْعَيْنَ بِالْعَيْنِ وَالْأَنْفَ بِالْأَنْفِ وَالْأُذُنَ بِالْأُذُنِ وَالسِّنَّ بِالسِّنِّ وَالْجُرُوحَ قِصَاصٌ﴾ (مانده: ۴۵) نیز، از عبارت «النَّفْسَ بِالنَّفْسِ» عموم فهمیده می‌شود. (۵۲)

علاوه بر جان، مال کفار نیز از ارزش برخوردار است؛ به گونه‌ای که بر اساس احکام فقهی بیان شده در کتب فقها، نمی‌توان متعرض اموال غیرمسلمانان گردید، هرچند آن اموال در نزد مسلمانان از ارزش برخوردار نباشد. برای نمونه، در صورتی که کسی خوک یا شراب کافر ذمی را معدوم نماید، در قبال آن ضامن خواهد بود؛ چراکه در نزد کفار ذمی، خوک و شراب دارای قیمت می‌باشد و آنان حق نگهداری آنها را در منازل خود دارند، البته مشروط بر آنکه آن را در اماکن عمومی اظهار ننمایند و باعث جریحه‌دار شدن اذهان و تشتت در میان جامعه اسلامی نگردند. این مطلب که در کتب فقها، به ویژه فقهای شیعه^(۵۳) نیز بدان تصریح شده است، نشان از این دارد که اسلام برای اموال کفار ذمی احترام قایل است.

علاوه بر این، اسلام، همان‌گونه که نسبت به حفظ آبروی مسلمانان اهمیت قایل است، نسبت به کفار ذمی نیز اهتمام ورزیده، به کسی اجازه نمی‌دهد که فردی از آنان را مورد دشنام قرار داده و یا اتهام باطلی بر آنان روا دارد. (۵۴)

ب. آزادی در اقامه شعایر و عمل بر اساس احکام خود: کفار ذمی نسبت به خوردن و نوشیدن آنچه که در دین آنان مباح شمرده شده آزادند و می‌توانند در قوانین مربوط به تشکیل خانواده و استمرار آن، از دین خود تبعیت نمایند. این آزادی تا آن حد پیش می‌رود که به زن ذمی اجازه می‌دهد در صورت تمایل به ازدواج با مرد مسلمان، دین خود را حفظ نماید و در عین حال، با آن مسلمان نیز ازدواج

آمدن قاعده‌ای فقهی در مورد آنان شده است. قاعده «لهم مالنا وعلیهم ماعلینا»، اصل را بر این قرار می‌دهد که کفار ذمی از تمام حقوق و مزایای مسلمانان برخوردار می‌گردند، مگر آنکه در مواردی دلیل قطعی برخلاف آن آمده باشد. (۵۰) تردیدی وجود ندارد که دینی که این قاعده را محور برخورد پیروان خود با پیروان ادیان دیگر قرار می‌دهد، به راستی دین صلح و عدالت است. (۵۱) در ذیل به برخی از این حقوق که در واقع، مصادیقی از این قاعده کلی هستند و نشان‌دهنده آن است که اسلام برای همزیستی مسالمت‌آمیز با کفار ذمی اهمیت ویژه‌ای قایل است، اشاره می‌شود:

الف. مصونیت جان، مال و آبروی اهل ذمه: حفظ حرمت جان، مال و آبروی شهروندان، اعم از مسلمان و غیرمسلمان، از حقوق اساسی است که اسلام بر آن پای می‌فشارد. در واقع، با عقد ذمه، کفار ذمی از این حق برخوردار می‌گردند که جان، مال و عرضشان در تحت حمایت حکومت اسلامی قرار گیرد. از این رو، بر عهده مسلمانان و حاکم اسلامی است که از آنان با هر وسیله‌ای حمایت کرده، جلوی ظلم به آنان را بگیرند. البته باید به این نکته نیز اشاره شود که در برخی از امور که مربوط به جامعه اسلامی می‌شود، با کفار ذمی همانند مسلمانان، به شدت برخورد می‌شود. برای نمونه، کسی که از جایی سرقت نماید، طبق موازین اسلامی حد سرقت بر او جاری می‌شود؛ فردی که کسی را بکشد، قصاص خواهد شد؛ متجاوز به مال دیگران، به مجازات خواهد رسید و نمونه‌های دیگری که مربوط به جان، مال و عرض دیگران می‌شود.

برخی از آیات قرآن کریم که در مقام بیان حکم قصاص آمده است، عمومیت دارد و شامل غیرمسلمانان نیز می‌شود. در آیه شریفه ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِصَاصُ فِي الْقَتْلَى الْحُرُّ بِالْحُرِّ وَالْعَبْدُ بِالْعَبْدِ

وظایف خطیری است که حاکم اسلامی برعهده دارد. این امنیت باید فراگیر بوده و کلیه شهروندان را دربر گیرد. ایجاد زمینه‌های مناسب برای برقراری امنیت، جز با دریافت مالیات، خمس، زکات و ضرایب مالی دیگر به دست نمی‌آید. از این رو، مسلمانان در جامعه اسلامی موظفند مبالغی را به این امر اختصاص دهند تا دولت اسلامی توان برقراری امنیت را داشته باشد. اهل ذمه نیز که با قرارداد ذمه، در زمره شهروندان جامعه اسلامی درآمده‌اند، باید در کمال امنیت به سر برده و از حقوق و مزایایی برخوردار گردند. برای دستیابی به این هدف، اینان نیز که از پرداخت خمس، زکات و مالیات به دولت اسلامی معاف می‌باشند، باید در قالب پرداخت جزیه، هزینه تأمین امنیت خود را بپردازند.^(۶۰) علاوه بر این، کفار ذمی از شرکت در جنگ برای یاری مسلمانان معافند و به همین دلیل، برخی تصریح نموده‌اند که یکی از عوامل وجوب جزیه بر ذمیون این است که آنان از شرکت در جنگ برای دفاع از کشور معافند؛ از این رو، هرگاه آنان به خود زحمت شرکت در جنگ را بدهند، از پرداخت جزیه معاف خواهند بود.^(۶۱) با پرداخت جزیه، دولت اسلامی در قبال امنیت ایشان مسئول بوده، باید زمینه‌های ناامنی نسبت به این افراد را ریشه کن نماید.^(۶۲)

اساس مشروعیت دریافت جزیه، آیه شریفه «قَاتِلُوا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلَا يُحَرِّمُونَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَلَا يَدِينُونَ دِينَ الْحَقِّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حَتَّى يُعْطُوا الْجِزْيَةَ عَنْ يَدٍ وَهُمْ صَاغِرُونَ» (توبه: ۲۹) می‌باشد. اختلاف در زمینه ماهیت جزیه ناشی از اختلاف تفاسیر در فرازهای پایانی این آیه است. شیخ طوسی در کتاب تفسیر خود، جزیه را جزای عدم پذیرش اسلام دانسته و «صاغرون» را از ماده «صغار» به معنای ذلت و خواری گرفته است. از این رو، براساس این تفسیر

کند.^(۵۵) البته تمام این امور مقید به این امر است که از اجرای این احکام، قصد ایجاد فتنه در جامعه اسلامی وجود نداشته باشد و موجب تحقیر شعائر مسلمانان نگردد.^(۵۶) اصل سیزدهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز بر این امر تأکید نموده است که «ایرانیان زرتشتی، کلیمی و مسیحی تنها اقلیت‌های دینی شناخته می‌شوند که در حدود قانون در انجام مراسم دینی خود آزادند و در احوال شخصیه و تعلیمات دینی بر طبق آیین خود عمل می‌کنند.» این امر به قدری حایز اهمیت است که حتی زوج نیز نمی‌تواند همسر کتابی خود را از انجام عبادات و شعایر خود بازدارد، بلکه سزاوار است که در صورت تمایل همسر کتابی خود، او را تا کلیسا یا اماکن دیگر عبادت همراهی نماید.^(۵۷)

ج. اجازه بر عهده گرفتن وظایف دولتی: کفار ذمی، از این حق برخوردارند که همانند دیگر شهروندان، امور دولتی را متقبل گردند و در این مناصب به کارگماشته شوند. البته واضح است که در برخی مناصب، امکان متولی گردیدن کفار ذمی وجود ندارد و از این رو، در این موارد این مناصب به آنان واگذار نمی‌گردد.^(۵۸) برای نمونه، اموری که در آنها صبغه دینی غلبه دارد، نباید به ذمی سپرده شود. البته، اهل ذمه در مقابل چنین حقوقی، وظایفی نیز به گردنشان می‌آید که این وظایف در برابر چنان حقوق وسیعی، بسیار ناچیزند. در اینجا به برخی از این وظایف و تعهدات اشاره می‌شود:

۱. پرداخت جزیه: جزیه عبارت از مالیاتی است که از کافر ذمی گرفته می‌شود تا در ازای برخوردی باشد که در برابر کافر حربی صورت می‌گیرد. در واقع، با پرداخت جزیه، جان، مال و عرض کافر ذمی احترام پیدا نموده و دولت اسلامی در قبال آن مسئول می‌گردد.^(۵۹) بدیهی است برقراری امنیت در جامعه اسلامی یکی از

«عن قدرة وسلطة لكم عليهم» می‌باشد. (۶۹)

قابل ذکر است که جزیه حد معینی ندارد و تعیین میزان آن بر عهده حاکم جامعه اسلامی است. او در تعیین میزان جزیه باید توانایی پرداخت‌کنندگان را در نظر بگیرد و بر اساس آن و با توجه به مصلحت عمومی امت اسلامی، اقدام به این عمل نماید. (۷۰)

۲. احترام به قوانین اسلام و پذیرفتن احکام قضائی،

جزائی و اجتماعی حکومت اسلامی: براساس نظر اکثریت فقها، اهل ذمه می‌توانند در امور فردی خود از احکام دین خود پیروی نمایند، هرچند در دین اسلام از آن نهی شده باشد. اما در صورتی که به این اعمال خود تظاهر کرده، احساسات مسلمانان جامعه اسلامی را برانگیزانند، بر اساس احکام اسلامی با آنان برخورد خواهد شد (۷۱) و آنان نیز باید در برابر احکامی که از سوی دادگاه‌های جامعه اسلامی وضع می‌گردد، سر فرود آورند. (۷۲) همچنین از آن‌رو که اسلام برای ادیان دیگر نیز احترام قایل می‌باشد، هیچ‌یک از اهل ذمه نیز این حق را ندارند که قوانین و احکام دین خود را نقض نمایند و در صورت ارتکاب چنین عملی، یا بر اساس موازین اسلامی با آنان برخورد خواهد شد و یا قضاوت به خود اهل کتاب واگذار می‌شود تا نسبت به مجازات آنها اقدام نمایند. (۷۳)

۳. عدم احداث معابد و ساختمان‌های بلند: از آن‌رو که ترویج افکار انحرافی در جامعه اسلامی منجر به تشّت و اختلاف در میان مذاهب مختلف می‌گردد و از سویی، در جامعه اسلامی نباید افکار تضعیف‌کننده شریعت اسلام ترویج گردد، علی‌القاعده نباید به کفار ذمی اجازه داد که به ساخت کلیساها و معابدی اقدام نمایند که باعث مطرح گردیدن بیشتر افکار انحرافی آنان در میان قشر مسلمان شود. علاوه بر اینکه کفار حق ندارند با ترویج افکار انحرافی خود، زمینه رشد مناسب فکری مسلمانان را از

از آیه، که جزیه جنبه عقوبتی دارد، باید به گونه‌ای جزیه از کفار گرفته شود که آنان هنگام پرداخت آن، نسبت به مسلمانان احساس حقارت نمایند. (۶۳) برخی از تفاسیر همین برداشت از آیه را با قالب‌های دیگری ابراز نموده‌اند (۶۴) و برخی از فقهای شیعه (۶۵) و سنی (۶۶) نیز بر اساس چنین تفسیری از قرآن کریم، با صراحت بیان داشته‌اند که جزیه از باب عقوبات است نه آنکه کرامتی در حق اهل کتاب باشد.

اما صاحب تفسیر المیزان برداشت دیگری از جزیه دارد. وی در ذیل این آیه، نظر مفرّدات راغب اصفهانی را ترجیح می‌دهد که پرداخت جزیه را در جهت حفظ جان کفار ذمی می‌داند نه عقوبتی که به خاطر کفرشان باید آن‌را متحمل شوند. وی در ادامه، در زمینه عبارت «صاغرون» نیز تأکید می‌نماید که تفسیر بالا از این کلمه صحیح نمی‌باشد، بلکه مراد این است که اینان باید در برابر سنت اسلامی و حکومت دینی عادل، فروتن بوده و در جامعه اسلامی به رویارویی با مسلمانان نپردازند و در پی ترویج عقاید کفرآمیز نباشند. به هیچ وجه مراد از این عبارت این نیست که مسلمانان یا حاکمان جامعه اسلامی باید در برابر کفار ذمی، با تمسخر و اهانت برخورد نمایند و اصولاً این امر با برخی از احکام اسلام راجع به اهل ذمه سازگاری نداشته و با روح وقار اسلامی در تضاد است، هرچند که برخی از مفسران نیز چنین کلامی را تأیید نموده باشند. (۶۷)

علامه طباطبائی در مورد تعبیر «عن ید» نیز برخلاف برخی از مفسران که مراد از آن را پرداخت به صورت نقد و دست به دست گرفته‌اند، (۶۸) معتقد است: مراد این است که مسلمانان نباید در وضعیتی قرار گیرند که در دریافت جزیه، کفار ذمی بر مسلمانان منت نهاده و آنان را خوار سازند، بلکه باید از روی قدرت و سلطه بر آنان اقدام به دریافت جزیه نمود. بنابراین، «عن ید» به معنای

این روابط، قرآن، سنت و اعتقادات اسلام را برای کفار عرضه نمایند و از این طریق، به وظیفه اسلامی خود مبنی بر دعوت دیگران به سوی اسلام جامه عمل بپوشانند.^(۷۸) به نظر می‌رسد که نظام اسلامی تنها نظام موجود در جهان باشد که علی‌رغم حکم به وجوب جهاد، روابط صلح‌آمیز خود را با کسانی از آنان که شیفته شنیدن کلام خداوندند، قطع نمی‌کند و به آنان این امکان را می‌دهد که برای مدتی، از خطرات دامن‌گیر جنگ‌رهای یابند.^(۷۹) همین امر نشان‌دهنده اهمیت است که اسلام برای همزیستی مسالمت‌آمیز با دیگران قابل است و تلاش می‌نماید تا از این طریق، راه هدایت آنان را فراهم سازد.

از میان آیات قرآن کریم، آیه شریفه ﴿وَإِنْ أَحَدُ مِنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ فَأَجِرْهُ حَتَّى يَسْمَعَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ أَبْلِغْهُ مَأْمَنَهُ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْلَمُونَ﴾ (توبه: ۶) توسط بسیاری از فقهای شیعه^(۸۰) و سنی^(۸۱) و مفسران،^(۸۲) برای اثبات مشروعیت عقد امان، مورد استناد قرار گرفته است. در این آیه شریفه، خداوند متعال به پیامبر خود امر می‌کند در صورتی که یکی از مشرکان طلب امان نمود، به او امان دهد تا زمینه‌ای فراهم گردد که او آیات الهی را شنیده و با تعالیم اسلامی آشنا گردد.

این عقد دارای چند ویژگی است که در ذیل، به برخی از آنها اشاره می‌شود:

۱. این عقد، برخلاف عقد ذمه، قراردادی موقتی است که مدت آن توسط دولت اسلامی و با رضایت طرفین تعیین می‌گردد.^(۸۳)
۲. در انعقاد این قرارداد، نیازی به درخواست کافر نیست و بدون آنکه کافر تقاضا کند، می‌توان او را در امان خود قرار داد.^(۸۴)
۳. این قرارداد با هر زبانی که گفته شود منعقد می‌گردد و حتی برخی معتقدند که با اشاره و کنایه نیز عقد امان

بین ببرند، مکلفند رعایت ظاهر را نیز نموده و از ایجاد مراکزی که باعث انحراف دیگر شهروندان می‌شود، پرهیز کنند. در واقع، ایجاد چنین مراکزی به معنای اظهار شعایر توسط اهل ذمه می‌باشد که براساس قرارداد ذمه از آن نهی شده‌اند. بررسی کتب مختلف فقهی شیعه نیز نشان می‌دهد که احداث کلیسا و معبد، براساس برخی از شرایط، در جامعه اسلامی ممنوع می‌باشد.^(۷۴) همچنین بر اساس برخی از کتب فقهی، احداث ساختمان‌های بلند که مشرف بر ساختمان‌های مسلمانان باشد و یا با ساختمان‌های مسلمانان در یک سطح باشد، ممنوع می‌باشد.^(۷۵)

۴. عدم اقدام در جهت آزار و اذیت مسلمانان و برهم زدن امنیت کشور: براساس ادله موجود در فقه شیعه و سنی، اهل ذمه حق برهم زدن آسایش و امنیت دیگران را نداشته، در صورت ارتکاب چنین عملی، با آنان به شدت برخورد خواهد شد. عباراتی از فقها به بیان این مطلب اختصاص یافته است.^(۷۶)

۳. عقد امان

دین مبین اسلام، در عین حال که جهاد را بر مسلمانان واجب می‌داند، لیکن هیچ‌گاه از روابط صلح‌آمیز با دیگر افراد و گروه‌ها غافل نبوده است. حتی این روابط، گاهی به حدی گسترده می‌گردد که کفار غیر کتابی را نیز شامل می‌شود. یکی از مواردی که در این زمینه، اسلام بر آن مهر تأیید می‌زند، عقدی است که براساس آن، به کفار کتابی و غیرکتابی اجازه داده می‌شود تا در امان جامعه اسلامی به سر برده، برای مدتی جان، مال و عرض آنها از احترام برخوردار گردد. حتی کسانی که اصل در روابط بین‌الملل اسلامی را جنگ می‌دانند، این عقد را مشروع دانسته، برای آن اهمیت ویژه‌ای در فقه سیاسی قایلند.^(۷۷) در واقع، عقد امان، این امکان را به مسلمانان می‌دهد که در سایه

منعقد و معتبر می‌گردد.^(۸۵)

صلح جویانه است. عقد امان از طرق مختلف، زمینه معرفی دین اسلام به سرتاسر جهان و نیز حکومت واحد جهانی را فراهم می‌سازد. برخی از این طرق که مبتنی بر پذیرش عقد امان در اسلام می‌باشد، در ذیل می‌آید:

۱. نمایندگان سیاسی کشورهای متخاصم، به هنگام ورود به حوزه کشورهای اسلامی، مشمول امان می‌گردند و باید از هرگونه تعرض به جان، مال و عرض آنان خودداری شود.

۲. تجاری که به قصد تجارت قدم در دارالاسلام می‌گذارند، باید در کمال امنیت به سر برده و از هرگونه تعرض در امان باشند.

۳. محققانی که قصد پژوهش‌های علمی، فرهنگی و دینی در حوزه کشورهای اسلامی را دارند، از مصونیت برخوردار بوده و تحت امان کشور اسلامی درمی‌آیند.

۴. کفاری که قصد اقامت در سرزمین اسلامی را ندارند، لیکن ناچارند برای دسترسی به مکان دیگر، از آن سرزمین اسلامی عبور نمایند، از مصونیت برخوردارند.

۵. گردشگران خارجی که به قصد سیاحت وارد بلاد اسلامی می‌گردند، مشمول این قانون می‌گردند. روایدی که به این‌گونه افراد داده می‌شود در حکم امانی است که در شرع اسلام از مشروعیت برخوردار بوده و باعث وجوب حفظ جان، مال و عرض آنها توسط آحاد مسلمانان و نیز حاکم کشور اسلامی می‌شود.^(۹۱)

نتیجه‌گیری

جهاد دعوت، که در زبان فقها به «جهاد ابتدایی» یاد شده است، با هدف گسترش توحید و خداپرستی و به منظور دعوت دیگر افراد به سوی اسلام شکل می‌گیرد. اصل جهانی بودن رسالت اسلام اقتضا می‌کند که معارف و احکام آن هم جهانی تبلیغ گردد. از این‌رو، دعوت در

۴. در صورتی که کافر حربی به گمان اینکه در امان مسلمانان است، وارد کشور اسلامی شود، بر مسلمانان واجب است که احترام جان و مال و عرض او را حفظ نمایند و او را به مأمن خود برسانند و پیش از آن، از هرگونه تعرضی نسبت به وی اجتناب ورزند، هرچند که در آن زمان، در واقع، عقد امانی منعقد نشده است.^(۸۶)

۵. با پایان یافتن مهلت عقد امان و یا در صورت عدم پذیرش این عقد از سوی کفار، نباید متعرض مال، جان و عرض آنان گردید، بلکه باید مسلمانان یا ولی امر مسلمین آنان را به مأمن خود برسانند.^(۸۷)

۶. مستأمن در صورت تظاهر به اموری که در اسلام ممنوع شمرده شده است، مجازات خواهد شد.^(۸۸)

۷. برخلاف عقد ذمه که جزیه یکی از ارکان آن محسوب می‌شد، در عقد امان چنین نیست و امام مسلمین با توجه به مصالح مسلمانان می‌تواند از مستأمن، مالی را دریافت نماید و یا از آن، صرف نظر کند.^(۸۹)

۸. یکی از ویژگی‌های عقد ذمه آن بود که این قرارداد تنها در صورتی از اعتبار برخوردار است که به دست امام مسلمانان به امضا رسیده باشد، اما عقد امان چنین نیست و در حالاتی از آن، توسط آحاد مردم منعقد می‌گردد.^(۹۰)

عقد امان که در روابط بین دول و ملل از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است، یکی از مسیرهای بسیار آسان برای حل منازعات و نیز زمینه‌ساز گسترش تمدن اسلامی از طریق مسالمت‌آمیز است. در روابط بین کشورها، که در حال حاضر چاره‌ای جز پذیرش آن نیست، باید یک سلسله حقوق و وظایف برای طرفین در نظر گرفته شود تا امکان روابط مسالمت‌آمیز با سایر بلاد فراهم گردد. اسلام، اولین و بهترین راهی را که برای گسترش خود در نظر می‌گیرد، راه‌های مسالمت‌آمیز و

- ۱۱- محمد المؤمن القمی، کلمات سدیدة فی کلمات مسائل جدیدة، ص ۳۱۵-۳۵۷.
- ۱۲- ری: ذاریات: ۵۶.
- ۱۳- فتح: ۲۸؛ صف: ۹؛ اعراف: ۱۵۸؛ سبأ: ۲۸؛ انبیاء: ۱۰۷؛ قلم: ۵۲؛ نورا: ۵۵؛ انعام: ۱۹ و ۹۰.
- ۱۴- سید محمدحسین طباطبائی، المیزان، ج ۴، ص ۱۵۹.
- ۱۵- همان، ج ۱۴، ص ۳۳۱.
- ۱۶- محمدبن جریر طبری، جامع‌البیان، ج ۹، ص ۱۱۶.
- ۱۷- مرتضی مطهری، خدمات متقابل اسلام و ایران، ج ۱، ص ۶۸.
- ۱۸- فاضل هندی، کشف اللثام، ج ۲، ص ۴۳۶.
- ۱۹- شهید اول، الدروس الشرعية، ج ۲، ص ۵۳.
- ۲۰- محمدبن علی شوکانی، فتح‌التقدیر، ج ۳، ص ۲۰۳.
- ۲۱- سید محمدحسین طباطبائی، همان، ج ۱۴، ص ۱۶۰ و ج ۱۷، ص ۲۶۰.
- ۲۲- مانده: ۹۹؛ نحل: ۳۵؛ نورا: ۵۴؛ عنکبوت: ۱۸؛ یس: ۱۷؛ شوری: ۱۵ و ۴۸؛ آل‌عمران: ۱۰۴.
- ۲۳- سیدکاظم حسینی حائری، الکفاح المسلح فی الاسلام، ص ۱۰.
- ۲۴- حسن بن یوسف بن مطهر حلی، تذکرة الفقهاء، ج ۹، ص ۸؛ علی بن حسن کرکی حلی، جامع‌المقاصد، ج ۳، ص ۳۶۶؛ شهید ثانی، مسالک‌الافهام، ج ۳، ص ۸.
- ۲۵- سید محمدصادق حسینی روحانی، فقه‌الصادق، ج ۱۳، ص ۱۴.
- ۲۶- سید محمدباقر صدر، اقتصادنا، ص ۳۱۴.
- ۲۷- ابوالصلاح حلبی، الکافی فی الفقه، تحقیق رضا استادی، ص ۲۴۶؛ محمدبن ادریس الشافعی، کتاب‌الام، ج ۱، ص ۲۹۳.
- ۲۸- محسن محیی‌الدین الشیشکلی، الاسلام و العلاقات الدولية، در: الثقافة الاسلامية، ص ۴۷۲.
- ۲۹- محمدبن حسن طوسی، التبیان فی تفسیرالقرآن، ج ۶، ص ۳۷۹.
- ۳۰- فضل‌بن حسن طبرسی، مجمع‌البیان، ج ۲، ص ۱۶۳.
- ۳۱- سید محمدحسین طباطبائی، همان، ج ۲، ص ۳۴۴.
- ۳۲- همان، ج ۴، ص ۴۰۲.
- ۳۳- همان، ج ۷، ص ۲۴۹.
- ۳۴- فخرالدین طریحی، مجمع‌البحرین، ج ۱، ص ۸۹.
- ۳۵- شیخ مفید، المقنعة، ص ۲۴۱.
- ۳۶- شیخ جعفر الغطاء، کشف الغطاء، ج ۲، ص ۳۵۴.
- ۳۷- سید محمدرضا موسوی گلپایگانی، هدایة‌العباد، ج ۱، ص ۳۰۶.
- ۳۸- نجم‌الدین جعفر بن حسن حلی (محقق حلی)، المعتبر فی شرح‌المختصر، ج ۲، ص ۵۷۳؛ سیدروح‌الله موسوی خمینی، تحریرالوسیلة، ج ۱، ص ۳۳۶؛ محقق حلی، شرائع‌الاسلام، ج ۱، ص ۱۲۱؛ محمدبن حسن طوسی، الاقتصاد، ص ۲۸۲؛ همو، مصباح‌المتجهج، ص ۸۵۷.
- جهاد ابتدایی از اهمیت برخوردار است. این جنگ نه به سبب کفر افراد و نه برای مسلمان نمودن اجباری دیگران، بلکه به منظور برطرف کردن موانع دعوت، استقرار حاکمیت الهی و برچیدن حاکمیت کفر شکل می‌گیرد. از این‌رو، طرف درگیر در جهاد ابتدایی رژیم‌های طاغوتی‌اند که مانع دعوت می‌گردند.
- جهاد ابتدایی آثار و پیامدهای صلح‌آمیزی را از خود بر جای می‌گذارد. با توجه به اینکه ابزار دعوت در سیاست خارجی دولت اسلامی قالب‌های مختلفی همچون اصل تألیف قلوب و اصل احسان را به خود می‌گیرد، از این‌رو، به راحتی زمینه برای نشر معارف الهی فراهم می‌گردد. همچنین توجه به احکام عقد امان و عقد ذمه که از احکام مترتب بر جهاد به شمار می‌روند، نشان می‌دهد که اسلام تلاش می‌کند در درجه نخست، مسلمانان با غیرمسلمانان زندگی مسالمت‌جویانه‌ای داشته باشند و در این جهت، حتی برای غیرمسلمانان حقوقی را وضع، و مسلمانان را نسبت به آن حقوق مکلف می‌سازد. بدین‌گونه، ما شاهد صلح و امنیت در روابط میان ملت‌ها و دولت‌ها براساس احکام مترقی اسلام در بحث جهاد خواهیم بود.
- پی‌نوشت‌ها**
- ۱- بقره: ۱۵۴، ۱۹۰، ۲۴۴ و ۲۴۶؛ آل‌عمران: ۱۳، ۱۵۷، ۱۶۷ و ۱۶۹؛ نساء: ۷۴، ۷۵، ۷۶، ۸۴ و ۹۵؛ مانده: ۵۴؛ اعراف: ۷۴؛ توبه: ۱۹، ۲۰، ۴۱، ۸۱ و ۱۱۱؛ محمد: ۴؛ حجرات: ۱۵؛ صف: ۱۱؛ مزمل: ۲۰.
- ۲- سید ابو‌عیطه، النظرية العامة للجهاد فی الشريعة الاسلامية، ص ۶۳.
- ۳- محمد صالح جعفر الظالمی، من الفقه السياسي فی الاسلام، ص ۲۱.
- ۴- مؤسسة‌البلاغ، الجهاد فی الاسلام، ص ۲۱.
- ۵- سید محمدحسین بهشتی و دیگران، شناخت اسلام، ص ۴۴۲؛ سیدروح‌الله موسوی خمینی، کشف‌الاسرار، ص ۲۲۹.
- ۶- سیداحمد خاتمی، ابعاد جنگ در فرهنگ اسلام، ص ۲۷.
- ۷- محمد الزحلی، حقوق‌الانسان فی الاسلام، ص ۱۸۲.
- ۸- مؤسسة‌البلاغ، همان، ص ۱۹.
- ۹- حسین نوری، جهاد، ص ۴۵.
- ۱۰- مرتضی مطهری، تعلیم و تربیت در اسلام، ص ۳۹۹.

- ٣٩- احمدبن محمد نراقى، مستند الشيعة، ج ٩، ص ٢٧٦؛
 محمدامين زين الدين، كلمة التقوى، ج ٢، ص ٢٠٢؛ سيد
 محمد سعيد حكيم، منهاج الصالحين، ج ١، ص ٣٨١.
 ٤٠- ابوالمجد حلي، اشارة السبق الى معرفة الحق، ص ١١٢؛
 سيد ابوالقاسم خوني، منهاج الصالحين، ج ١، ص ٣١٢؛ سيد محمد
 حسيني روحاني، المسائل المنتخبة، ص ٢١٢؛ سيد علي حسيني
 سيستاني، منهاج الصالحين، ج ١، ص ٣٧١.
 ٤١- محقق حلي، المختصر المنافع في فقه الامامية، ص ٥٩؛
 ابن زهره حلي، غنية النزوع الى علمي الاصول والفروع، ص ١٢٣؛
 ابوالمجد حلي، همان، ص ١١٢.
 ٤٢- يحيى بن سعيد حلي، الجامع للشرايع، ص ١٤٣؛ سيد
 محمد كاظم طباطبائي يزدي، العمرة الوثقى، ج ٤، ص ١١١؛
 محمد حسن نجفي، جواهر الكلام، ج ١٥، ص ٣٤٢.
 ٤٣- روح الله شريعتي، حقوق ووظايف غير مسلمانان در جامعه
 اسلامي، ص ٦٢.
 ٤٤- فضل بن حسن طبرسي، همان، ج ٦، ص ١٩٠؛ سيد مصطفي
 خميني، تفسير القرآن الكريم مفتاح احسن الخزانين الالهيه، ج ٥،
 ص ٥٥٩؛ سيد محمد حسين طباطبائي، همان، ج ١٢، ص ٣٣٠.
 ٤٥- محمد بن حسن طوسي، التبيان، ج ٩، ص ٥٨٢؛ ابوالفرج
 جوزي القرشي، زاد المسير في علم التفسير، ج ٨، ص ٧؛ محمد بن
 احمد قرطبي، الجامع لاحكام القرآن، ج ٣، ص ٣٣٨.
 ٤٦- ابن منظور، لسان العرب، ج ١٢، ص ٢٢١.
 ٤٧- روح الله شريعتي، اقلية هاي ديني، ص ١٠.
 ٤٨- سيد علي خامنه اي، الصابئة حكمهم الشرعي و حقيقتهم
 الدينيه، ص ٤٤٧؛ سورحمن هدايات، التعايش السلمى بين
 المسلمين وغيرهم، ص ٣٢١.
 ٤٩- وهبه الزحيلي، آثار الحرب في الفقه الاسلامي، ص ٧٠٢.
 ٥٠- محقق كركي، رسائل الكركي، ج ١، ص ٢٤٩؛ زيد بن علي، مستد
 زيد بن علي، ص ٣٠٩؛ سيد سابق، فقه السنه، ج ٢، ص ٣٩٩ و ٦٦٢.
 ٥١- ادوارد غالي الذهبي، معاملة غير المسلمين في المجتمع
 الاسلامي، ص ٩٢.
 ٥٢- ادوارد غالي الذهبي، همان، ص ٩٦.
 ٥٣- محمد حسن نجفي، همان، ج ١٦، ص ١٤١؛ شيخ فضل الله
 نوري، قاعدة ضمان اليد، ص ٥١.
 ٥٤- يوسف قرضاوي، غير المسلمين في المجتمع الاسلامي، ص
 ١٦.
 ٥٥- حسين الزين، اهل الكتاب في المجتمع الاسلامي، ص ٧٥.
 ٥٦- جمال الدين محمد محمود، الاسلام والمشكلات السياسية
 المعاصرة، ص ٣٩٣.
 ٥٧- ادوارد غالي الذهبي، همان، ص ٤٢.
 ٥٨- سورحمن هدايات، همان، ص ٣٣٩-٣٤٣.
 ٥٩- محمد سعيد رمضان البوطي، الجهاد في الاسلام، ص ١٣٤.
 ٦٠- سيد محمد صادق حسيني روحاني، فقه الصادق، ج ١٣، ص
- ٥٣؛ جعفر سبحاني، مباني حكومت اسلامي، ص ٥٤١؛ مصطفى
 السباعي، نظام السلم والحرب في الاسلام، ص ٥٢.
 ٦١- محمد عماره، الاسلام و الاقليات، ص ١٥؛ حسين الزين،
 همان، ص ٨٦.
 ٦٢- عباس علي عميدزنجاني، حقوق اقلية ها، ص ٥٧.
 ٦٣- محمد بن حسن طوسي، التبيان، ج ٥، ص ٢٠٣.
 ٦٤- فضل بن حسن طبرسي، همان، ج ٥، ص ٣٩.
 ٦٥- شيخ مفيد، همان، ص ٢٤٩.
 ٦٦- ابن القيم الجوزيه، احكام اهل الذمة، ص ٢٧.
 ٦٧- سيد محمد حسين طباطبائي، همان، ج ٩، ص ٢٤٢.
 ٦٨- فضل بن حسن طبرسي، همان، ج ٥، ص ٤٠.
 ٦٩- سيد محمد حسين طباطبائي، همان، ج ٩، ص ٢٤٣.
 ٧٠- محمد بن حسن طوسي، الرسائل العشر، ص ٢٤٢؛
 سيد ابوالقاسم خوني، همان، ج ١، ص ٣٩٢؛ وهبه الزحيلي، همان،
 ص ٧٠٢.
 ٧١- ابوالمجد حلي، همان، ص ١٤٣؛ سيد محمد صادق حسيني
 روحاني، فقه الصادق، ج ١٣، ص ٥٤.
 ٧٢- فاضل الآبي، كشف الرموز، ج ١، ص ٢٥٣؛ علي بن محمد قمي
 سيزواري، جامع الخلاف والوفاق، ص ٢٣٠.
 ٧٣- محقق حلي، شرائع الاسلام، ج ١، ص ٢٥٥؛ محقق كركي،
 جامع المقاصد، ج ٣، ص ٤٨١.
 ٧٤- سيد ابوالقاسم خوني، همان، ج ١، ص ٣٩٨.
 ٧٥- قاضي عبدالعزيز براج، جواهر الفقه، ص ٥١؛ محمد حسن
 نجفي، همان، ج ٢١، ص ٢٨٤.
 ٧٦- ابوالمجد حلي، همان، ص ١٤٣.
 ٧٧- وهبه زحيلي، همان، ص ٢٢٠.
 ٧٨- عفيف عبدالفتاح طباره، روح الدين الاسلامي، ص ٣٩٢.
 ٧٩- وهبه زحيلي، همان، ص ٢٢٣.
 ٨٠- حسن بن يوسف مطهر حلي، منتهى المطلب، ج ٢، ص ٩١٣؛
 سيد محمد صادق حسيني روحاني، فقه الصادق، ج ١٣، ص ٩٠.
 ٨١- محمد بن ادريس الشافعي، همان، ج ٤، ص ٢٠٠.
 ٨٢- ابى القاسم فرات بن ابراهيم كوفي، تفسير فرات الكوفي، ص
 ١٦٣؛ احمد بن علي رازي الجصاص، احكام القرآن، ج ٣، ص ١٠٨.
 ٨٣- جعفر بن حسن طوسي، المبسوط، ج ٧، ص ٢٧٢؛ محمد
 عبدالهادي المطردى، عقد الذمة في تشريع الاسلامي، ص ٢٦.
 ٨٤- محمد حسن نجفي، همان، ج ٢١، ص ٩٢؛ سيد محمد صادق
 حسيني روحاني، فقه الصادق، ج ١٣، ص ٩٠.
 ٨٥- سيد ابوالقاسم خوني، همان، ج ١، ص ٣٧٨؛ وهبه زحيلي،
 همان، ص ٢٨٥.
 ٨٦- محمد حسن نجفي، همان، ج ٢١، ص ٩٦.
 ٨٧- سيد ابوالقاسم خوني، همان، ج ١، ص ٣٧٦.
 ٨٨- جعفر بن محمد طوسي، الخلاف، ج ٥، ص ٢٣٩.
 ٨٩- جعفر بن محمد طوسي، المبسوط، ج ٢، ص ٤٢؛ حسن بن

- یوسف مطهر حلی، **تحریر الاحکام**، ج ۲، ص ۲۱۰.
- ۹۰- جعفرین حسن طوسی، **المبسوط**، ج ۲، ص ۱۴ و ۵۶؛
محمدحسن نجفی، همان، ج ۲۱، ص ۹۶.
- ۹۱- علی اکبر کلاتنری، **الجزیة و أحكامها**، ص ۳۸.
- منابع**
- ابن البراج، **عبدالعزیز، جواهر الفقه**، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۱ق.
- ابن منظور، **جمال الدین، لسان العرب**، قم، ادب الحوزة، ۱۴۰۵ق.
- ابو عیطة، **السید، النظرية العامة للجهاد فی الشريعة الاسلامیة**، الاسكندریة، مؤسسه الثقافة الجامعیة، بی تا.
- اصفهانی، **محمد بن حسن بن محمد (فاضل هندی)**، **كشف اللثام**، قم، مكتبة آية الله العظمى المرعشي النجفي، ۱۴۰۵ق.
- بو طی، **محمد سعید رمضان، الجهاد فی الاسلام**، دمشق، دارالفکر، ۱۹۹۷م.
- بهشتی، **سید محمد حسین و دیگران، شناخت اسلام**، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، بی تا.
- جبعی العاملی، **زین الدین بن علی (شهید ثانی)**، **مسالك الافهام**، بی جا، مؤسسه المعارف الاسلامیة، ۱۴۱۴ق.
- جوزی قرشی، **ابوالفرج، زاد المسیر فی علم التفسیر**، تحقیق محمد بن عبدالرحمن عبدالله، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۷ق.
- جوزیة، **ابن القیم، احکام اهل الذمة**، تحقیق و تعليق ایمن عارف الدمشقی، بیروت، دارالجمیل، ۱۴۲۱ق.
- حسینی حایری، **سید کاظم، الکفاح المسلح فی الاسلام**، بی جا، الرسول المصطفی، بی تا.
- حسینی روحانی، **سید محمد صادق، المسائل المتخبة**، بیروت، مكتبة الایمان، ۱۴۱۷ق.
- _____، **فقه الصادق**، ج سوم، قم، مؤسسه دارالکتاب، ۱۴۱۳ق.
- حسینی سیستانی، **سید علی، منهاج الصالحین**، قم، مكتب آية الله العظمى السيد علی السیستانی، ۱۴۱۶ق.
- حکیم، **سید محمد سعید، منهاج الصالحین**، بیروت، دارالصفوة، ۱۴۱۵ق.
- حلی، **ابوالصلاح، الکافی فی الفقه**، تحقیق رضا استادی، اصفهان، مكتبة امیرالمؤمنین، ۱۴۰۳ق.
- حلی، **بوالمجد، إشارة السبق الی معرفة الحق**، تحقیق ابراهیم بهادری، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۴ق.
- حلی، **علی بن زهرة، غنية النزوع الی علمی الاصول و الفروع**، تحقیق ابراهیم بهادری، قم، مؤسسه الامام الصادق، ۱۴۱۷ق.
- حلی، **جعفر بن حسن، المختصر النافع فی فقه الامامیة**، تهران، مؤسسه البعثة، ۱۴۱۰ق.
- _____، **المعتبر فی شرح المختصر**، بی جا، سیدالشهداء، ۱۳۶۴.
- _____، **شرائع الاسلام فی مسائل الحلال والحرام**، تحقیق سید صادق شیرازی، ج دوم، تهران، الاستقلال، ۱۴۰۹ق.
- حلی، **حسن بن یوسف بن مطهر، تحریر الاحکام**، تحقیق ابراهیم بهادری، قم، مؤسسه امام صادق علیه السلام، ۱۴۲۰ق.
- _____، **تذکرة الفقهاء**، قم، مؤسسه آل البيت، ۱۴۱۷ق.
- _____، **منتهی المطلب**، تبریز، حاج احمد، ۱۳۳۳.
- حلی، **یحیی بن سعید، الجامع للشرایع**، قم، سیدالشهداء، ۱۴۰۵ق.
- خاتمی، **سید احمد، ابعاد جنگ در فرهنگ اسلام**، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۲.
- خامنه ای، **سید علی، الصابنة حکمهم الشرعی و حقیقتهم الدینیة**، بیروت، الغدیر، ۱۴۱۹ق.
- خمینی، **سید مصطفی، تفسیر القرآن الکریم**، **مفتاح احسن الخزانة الالهیة**، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۴۱۸ق.
- خوئی، **سید ابوالقاسم، منهاج الصالحین**، ج بیست و هشتم، بی جا، مدينة العلم، ۱۴۱۰ق.
- زحیلی، **محمد، حقوق الانسان فی الاسلام**، ج سوم، دمشق، دارین کثیر و بیروت، دارالکلم الطیب، ۱۴۱۸ق.
- زحیلی، **وهبة، آثار الحرب فی الفقه الاسلامی**، ج چهارم، دمشق، دارالفکر، ۱۴۱۲ق.
- زیدین علی، **مسند زیدین علی**، تحقیق، احد علماء الزیدیین، بیروت، دارالحیة، بی تا.
- زین الدین، **محمد امین، کلمة التقوی**، ج سوم، بی جا، بی تا، ۱۴۱۳ق.
- زین، **حسین، اهل الكتاب فی المجتمع الاسلامی**، ج دوم، بیروت، دارالفکر الحدیث، ۲۰۰۳م.
- سباعی، **مصطفی، نظام السلم و الحرب فی الاسلام**، ج سوم، بیروت، دارالوراق و الرياض، ۱۴۲۲ق.
- سبحانی، **جعفر، مبانی حکومت اسلامی**، ترجمه و نگارش داود الهامی، قم، توحید، ۱۳۷۰.
- سید سابق، **فقه السنة**، بیروت، دارالکتاب العربی، بی تا.
- شافعی، **محمد بن ادریس، کتاب الام**، ج دوم، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۳ق.
- شریعی، **روح الله، اقلیت های دینی**، تهران، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، ۱۳۸۱.
- _____، **حقوق و وظائف غیر مسلمانان در جامعه اسلامی**، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۱.
- شوکانی، **محمد بن علی، فتح القدیر**، بی جا، عالم الکتاب، بی تا.
- شیشکلی، **محسن محیی الدین، الاسلام و العلاقات الدولية**، در:

- حسین حسینی بیرجندی، بی‌جا، بی‌تا.
- کاشف الغطاء، جعفر، **کشف الغطاء**: اصفهان: مهدوی، بی‌تا.
- کرکی حلی، علی بن حسین، **جامع المقاصد**، قم: مؤسسة آل‌البيت، ١٤٠٨ق.
- ---، **رسائل کرکی**، تحقیق شیخ محمد الحسنون، قم: مکتبه آیه‌الله المرعشی النجفی، ١٤٠٩ق.
- کلاتری، علی اکبر، **الجزیه و احکامها**، بی‌جا، مؤسسة النشر الاسلامی، ١٤١٦ق.
- کوفی، ابی القاسم فرات بن ابراهیم، **تفسیر فرات الکوفی**، تحقیق محمد کاظم، طهران، التابعة لوزارة الثقافة و الارشاد الاسلامی، ١٤١٠ق.
- محمد محمود، جمال‌الدین، **الاسلام و المشكلات السياسية المعاصرة**، قاهر، دارالکتب المصری، ١٤١٣ق.
- مطردی، محمد عبدالهادی، **عقد الامة فی تشريع الاسلامی**، لیبی، الدار الجماهيرية للنشر و التوزيع و الاعلان، ١٣٩٦ق.
- مطهری، مرتضی، **تعلیم و تربیت در اسلام**، تهران، صدرا، ١٣٦٨.
- ---، **خدمات متقابل اسلام و ایران**، تهران، صدرا، بی‌تا.
- مفید، محمد بن محمد نعمان، **المسئنة**، قم: جامعه مدرسین، ١٤١٠ق.
- مکسی عاملی، محمد بن جمال‌الدین (شهید اول)، **الدروس الشرعية**، قم: مؤسسة النشر الاسلامی، ١٤١٤ق.
- موسوی خمینی، سیدروح‌الله، **تحریر الوسيلة**، قم: اسماعیلیان، بی‌تا.
- ---، **کشف الاسرار**، تهران، محمد، بی‌تا.
- موسوی گلپایگانی، سید محمدرضا، **هدایة العباد**، بی‌جا، دارالقرآن الکریم، ١٤١٣ق.
- مؤسسة البلاغ، **الجهاد فی الاسلام**، ایران، مؤسسة البلاغ، بی‌تا.
- مؤمن قمی، محمد. **کلمات سدیدة فی مسائل جدیدة**، قم: مؤسسة النشر الاسلامی، ١٤١٥ق.
- نجفی، محمدحسن، **جواهر الکلام**، تحقیق عباس فوجانی، ج سوم، بی‌جا، دارالکتب الاسلامیة، ١٣٦٢.
- نراقی، احمد بن محمد، **مستند الشیعة**، مشهد، مؤسسة آل‌البيت لإحياء التراث، ١٤١٥ق.
- نوری، حسین، **جهاد**، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ١٣٦٦.
- نوری، شیخ فضل‌الله، **قاعدة ضمان البد**، تحقیق شیخ قاسم شیرزاده، قم: مؤسسة النشر الاسلامی، ١٤١٤ق.
- هدایات، سورحمن، **التعايش السلمی بین المسلمین و غیرهم**، قاهره، دارالسلام، ١٤٢١ق.
- یوسفی، حسن بن ابی طالب بن ابی‌المجد (فاضل آبی)، **کشف الرموز**، قم: مؤسسة النشر الاسلامی، ١٤١٠ق.
- الفنافة الاسلامیة، کویت، مطبوعات جامعة الكويت، ١٤٠٩ق.
- صدر، سید محمدباقر، **اقتصادنا**، ج دوم، بی‌جا، المجمع العلمی للشهید الصدر، ١٤٠٨ق.
- طبّاره، عقیف عبدالفتاح، **روح‌الدین الاسلامی**، ج ششم، بیروت، دارالعلم الملايين، ١٣٨٤ق.
- طباطبائی، سید محمدحسین، **المیزان فی تفسیر القرآن**، قم: مؤسسة النشر الاسلامی، بی‌تا.
- طباطبائی یزدی، سید محمدکاظم، **العروة الوثقی**، قم: مؤسسة النشر الاسلامی، ١٤٢٠ق.
- طبرسی، فضل بن حسن، **مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن**، بیروت، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، ١٤١٥ق.
- طبری، محمد بن جریر، **جامع البیان عن تأویل آی القرآن**، بیروت، دارالفکر، ١٤١٥ق.
- طریحی، فخرالدین، **مجمع البحرین**، تحقیق سیداحمد حسینی، ج دوم، بی‌جا، مکتب نشر الثقافة الاسلامیة، ١٤٠٨ق.
- طوسی، محمد بن حسن، **الاقتصاد الهادی الی طریق الرشاد**، تحقیق شیخ حسن سعید، طهران، مکتبه جامع جهل ستون، ١٤٠٠ق.
- ---، **التبیان فی تفسیر القرآن**، تحقیق احمد حبیب قصیرالعاملی، بی‌جا، مکتب الاعلام الاسلامی، ١٤٠٩ق.
- ---، **الخلاف**، تحقیق سید علی خراسانی و دیگران، قم: مؤسسة النشر الاسلامی، ١٤١٧ق.
- ---، **الرسائل العشر**، تحقیق قم، جامعه المدرسین، ١٤٠٤ق.
- ---، **المبسوط فی فقه الامامیة**، تحقیق محمدتقی کشفی، طهران، المکتبه الرضویة، ١٣٨٧ق.
- ---، **مصباح‌المتجهد**، بیروت، مؤسسة فقه الشیعة، ١٤١١ق.
- ظالمی، محمدصالح جعفر، **من الفقه السیاسی فی الاسلام**، بیروت، دارالجليل المسلم، بی‌تا.
- عماره، محمد، **الاسلام و الاقلیات**، قاهره، مکتبه الشروق الدولیة، ١٤٢٣ق.
- عمیدزنجانی، عباسعلی، **حقوق اقلیت‌ها**، ج پنجم، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ١٣٧٠.
- غالی‌الدینی، ادوارد، **معامله غیر المسلمین فی المجتمع الاسلامی**، قاهره، مکتبه غریب، ١٩٩٣م.
- قرضای، یوسف، **غیر المسلمین فی المجتمع الاسلامی**، ج سوم، قاهره، مکتبه وهبة، ١٤١٣ق.
- قرطبی، محمد بن احمد، **الجامع لاحکام القرآن**، بیروت، مؤسسة التاریخ العربی، بی‌تا.
- قمی سبزواری، علی بن محمد، **جامع الخلاف و الوفاق**، تحقیق